

بررسی رابطه بین آموزش بزرگسالان (والدین) و مهارت های زندگی دانش آموزان^۱

دکتر فریبا حنیفی*

فرحناز اسکندری نیا**

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است با عنوان بررسی رابطه بین آموزش بزرگسالان و مهارت های زندگی دانش آموزان مقطع دبیرستان و پیش دانشگاهی شهر ایذه، و هدف کلی آن تعیین رابطه آموزش بزرگسالان (پدران و مادران) و مهارت های زندگی فرزندان آنها و اهداف جزئی آن تعیین رابطه آموزش بزرگسالان (والدین) با مهارت های پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ارتباط بین فردی و ارتباط اجتماعی، مهارت حل مسئله، خودآگاهی و تصمیم گیری فرزندان آنها بوده است. پژوهشگران به منظور دستیابی به اهداف خود، جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع دبیرستان و پیش دانشگاهی شهر ایذه، شامل ۸۷۰۰ نفر انتخاب نمودند. نمونه آماری طبق جدول کرجسی و مورگان ۳۵۸ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شد. برای تهیه ابزار اندازه گیری از پرسشنامه محقق ساخته مهارت های زندگی که قبلاً توسط حسن زاده (۱۳۸۸) هنجاریابی شده بود، استفاده نمود. و در فرم پرسشنامه از دانش آموزان خواسته شد تا سطح آموزش پدران و مادران خود را با انتخاب گزینه های صحیح مشخص نمایند. برای اجرای اصلی ۳۹۳ پرسشنامه با احتمال ۱۰٪ عدم برگشت توزیع و در نهایت ۳۷۱ پرسشنامه جمع آوری شد. داده های جمع آوری شده از طریق آمار توصیفی شامل (جداول توزیع فراوانی، فراوانی درصدی، میانگین، انحراف معیار، ضریب کجی و کشیدگی) و آمار استنباطی شامل (آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون خی دو) از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که با اطمینان ۹۹٪ بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های زندگی دانش آموزان رابطه وجود ندارد. همچنین با اطمینان ۹۹٪ بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ارتباط بین فردی و اجتماعی، حل مسئله، خودآگاهی و تصمیم گیری دانش آموزان رابطه وجود ندارد.

واژه های کلیدی: آموزش بزرگسالان، مهارت های زندگی دانش آموزان.

۱- این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد می باشد.

* دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن، عضو هیأت علمی و استادیار گروه علوم تربیتی، رودهن - ایران

** کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی و دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

امروزه با توجه به اینکه دنیای ما روز به روز ماشینی و پیچیده تر شده و همه چیز حتی رابطه انسان ها نیز تحت تأثیر تکنولوژی قرار گرفته و مسائل حساس انسان که در واقع محور اصلی زندگی است، به حاشیه رانده شده است، انسان ناگزیر است مهارت زیستن را در جهان امروز یاد بگیرد تا بتواند با توانائی های خویش به رفاه اجتماعی و فردی نائل گردد. همچنین امروزه با توجه به ایجاد تغییرات فرهنگی و تأثیر عوامل مختلف در زندگی و تغییر در شیوه زندگی بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانائی های لازم را اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مشکلات روزمره و مقتضیات آن آسیب پذیر نموده است (سازمان جهان بهداشت، ترجمه نوری قاسم آبادی و محمدخانی، ۱۳۷۹).

به این منظور در سال ۱۹۹۶ میلادی، سازمان بهداشت جهانی به منظور پیشگیری و همچنین افزایش بهداشت روانی افراد جامعه، برنامه ای با عنوان آموزش مهارت های زندگی را تدوین کرد. این برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می داد که چگونه با استقبال از مهارت های رفتار جرأت مندانه، تصمیم گیری و تفکر نقاد در مقابل وسوسه یا پیشنهاد سوء مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. اصطلاح مهارت های زندگی که در پژوهش حاضر به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته به گروه بزرگی از مهارت های روانی، اجتماعی و بین فردی اطلاق می شود و می تواند به افراد کمک کند تا تصمیمات خود را با آگاهی اتخاذ نمایند، به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت مقابله ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و بارآوری داشته باشند (سپاه منصوری، ۱۳۸۶).

پایه مطالبی که در آموزش مهارت های زندگی به کار برده می شود، اطلاعاتی است که از نحوه یادگیری کودکان و نوجوانان از طریق مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن بدست می آید و در واقع مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۱ است. در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، یادگیری فرایندی فعال و مبتنی بر تجربه است و به همین جهت کودکان در جریان یادگیری و آموزش، فعالانه به یادگیری مهارت های زندگی، می پردازند. بنابر این در این آموزش از روش هایی که شرکت فعال کودکان را در امر آموزش تسهیل می بخشد، آشنا می شود. این شیوه ها عبارتند از:

تشکیل گروه های کوچک، یا گروه های دوتایی، بارش فکری، ایفای نقش، بحث و مناظره (نوری قاسم آبادی و محمدخانی، ۱۳۷۹).

از نظر بوآید^۱ (۲۰۰۴) آموزش مهارت های زندگی روش مناسبی را در اختیار انسان می گذارد که باید توسط نوجوانان آموخته شود و نباید به علت موقعیت شغلی و تأثیری که افراد در آنها می گذارند، از آموختن این مهارت ها صرف نظر کرد. به علت توجه خاص به پنج مهارت از مهارت های زندگی، ارائه شرح مختصری از آنها شامل مهارت های پیشگیری از آسیب های اجتماعی، خودآگاهی، ارتباط بین فردی، حل مسئله و تصمیم گیری ضروری است.

«آسیب های اجتماعی (رفتارهای پرخطر) عبارت است از پایین بودن توانایی شخص در مواجهه با انتظارات و دشواریهای زندگی روزمره سبب بروز رفتارهای پرخطری همچون مصرف سیگار، الکل، مواد مخدر و اقدام به خودکشی می شود» (دهستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

موقعیت های پرخطر در واقع شرایط و زمینه هایی هستند که درگیر شدن در آنها باعث می گردد که زندگی سالم افراد به خصوص نوجوانان تهدید گردد و آنها دچار بحران گردند. برای پرهیز از این موقعیت ها باید توانست این موقعیت ها را شناسایی کرد و از آنها دوری کرد. (همان منبع).

مهارت خودآگاهی عبارت است از توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قدرت، خواسته ها ترس از انزجار است. خودآگاهی به فرد کمک می کند تا دریابد تحت استرس قرار دارد یا نه و این معمولاً پیش شرط ضروری روابط اجتماعی و روابط بین فردی و همدلانه است. این مهارت اولین و زیربنایی ترین مهارت، از سوی مهارت های زندگی است که کسب آن نقش مهمی در سلامت و بهداشت روان انسان دارد. خودآگاهی رابطه مستقیم با تصور ذهنی دارد. تصویری که انسان از خود در ذهن می پروراند، ریشه بیشتر رفتارهای او را تشکیل می دهد (دهستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

مهارت ارتباط بین فردی عبارت است از توانایی برقراری ارتباط به طور مؤثر و کار آمد با دیگران است. مهارت ارتباطی خوب به انسان کمک می کند، روابط سالم و رضایت بخشی را با دیگران داشته باشد. از طرف دیگران ضعف در این مهارت می تواند به سوء تفاهمات و احساسات منفی منجر شود. مهارت برقراری ارتباط یکی از فاکتورهای پیش بینی کننده سلامت است (عطایور، ۱۳۸۹، ص ۱۵). در این زمینه نجات (۱۳۸۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اگر والدین آگاهی و تحصیلات کافی داشته باشند می توانند روش های مهارت ارتباطی را به

فرزندانشان آموزش دهند تا آنها بتوانند بسیاری از مسائل زندگی را حل کرده و از زندگی لذت بیشتری ببرند.

در این زمینه (هالوگ و همکاران^۱، ۱۹۸۸) در یک مطالعه پی گیر سه ساله، یک گروه از زوج های آلمانی را در یک برنامه آموزشی پیش از ازدواج مربوط به آموزش مهارت های ارتباطی شرکت کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند. بعد از سه سال زوج های شرکت کننده در این برنامه که سپس ازدواج کرده بودند، در میزان رضایتمندی از رابطه زناشویی، توافق، حل مسئله و رفتارهای ارتباطی مثبت، تفاوت معناداری را با گروه مقایسه نشان دادند.

مهارت حل مسئله عبارت است از تشخیص و کاربرد دانش و مهارت هایی که منجر به پاسخ درست فرد به موقعیت گردد و یا فرد را به هدف خویش برساند. به عبارت دیگر مهارت حل مسئله، فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که به فرد کمک می کند تا هنگام رویا رویی با مشکلات، راه حل های متعدد را جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب نمایند (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

در این زمینه اسمیت^۲ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که مهارت های حل مسئله به یادگیرنده ها کمک می کند که دستورالعمل ها را بنویسند، یادداشت برداری کنند، موقعیت ها را بررسی کنند و در نهایت نتیجه گیری کنند.

مهارت تصمیم گیری مهارتی است که به انسان کمک می کند تا در جاهایی که دچار تردید می شود خود را نجات دهد و خیلی سریع تصمیم گیری کند. اصولاً همیشه این ضرورت وجود دارد که باید به نحو مؤثری در مورد مسائل زندگی تصمیم گرفته شود و انسان قبل از هر تصمیمی باید قدرت بررسی جوانب مختلف انتخابهای خود را داشته باشد.

اگر چنین شود بدون شک از بهداشت روانی مناسبی برخوردار خواهد بود (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). در این زمینه بورنستاین^۳ (۲۰۰۳)، در پژوهشی نشان داد که یکی از شاخص های مهم سلامت روانی، توانایی حل مسئله و تصمیم گیری است. همچنین ماریامانس^۴ (۲۰۱۰) در همین رابطه ادعان داشت تصمیم گیری منطقی نشانه افراد با هوش است آنها عواطف شان را می شناسند و درک می کنند که چگونه این عواطف می تواند در تصمیم شان

1 - Huhlweg & all

2 - Smith

3 - Brnstein

4- Marya Manes

اثر بگذارد. و به این ترتیب تصمیم گیری در نظر آنها فرآیندی آگاهانه و نظامند است که به نظر می رسد جایی را برای احساسات نمی گذارد.

یکی از راههای بهبود و ارتقای مهارت های زندگی دانش آموزان ارتقاء میزان آموزش های بزرگسالان (والدین) آنهاست. آموزش بزرگسالان فرآیندی است سازمان یافته به منظور ایجاد آگاهی، شناخت و مهارت بزرگسالان، تا بتوانند در جهت تکامل و تعالی حرکت کنند و در سرنوشت جامعه خود از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت فعال داشته باشند و شامل کلیه فعالیتهای سازمان یافته ای است که برای بزرگسالان در زمینه سواد آموزی، آموزشهای فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، فنی و حرفه ای و آموزش برای ارضای نیازهای روانی می باشد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵).

در زمینه آموزش بزرگسالان صاحب نظران مختلف دیدگاه های متفاوت دارند. مثلاً جان دیویی^۱ که یکی از بزرگترین فیلسوفان آموزش و پرورش است، نقش مهمی در توسعه آموزش بزرگسالان داشته است. در میان اندیشه های دیویی، وی به «رشد مستمر» به عنوان هدف نهایی آموزش و پرورش اشاره و تاکید می کند آموزش بزرگسالان، اصلی ترین زمینه ای است که وی در مطالبات خود به آن پرداخته، بنابر این وی فیلسوف آموزش بزرگسالان معرفی می شود. براساس این دیدگاه انسان دارای توانائی های بالقوه فراوان و پایان ناپذیری است که باید در طول زندگی از طریق تجربه آن زمینه ها را به ظهور برساند. به نظر دیویی، هر قدر که بر سالهای زندگی فرد اضافه شود، میزان تجربه وی نیز بیشتر می شود و به این دلیل است که وی تربیت را بازسازی مستمر تجارب فرد در طول زندگی می داند (میرزاحمدی و ظفری پور، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

افلاطون^۲ نیز در منظومه تربیتی خود، مراحل آموزش را قبل از تولد تا پایان عمر در نظر می گیرد. برای افلاطون آموزش بزرگسالان در عالی ترین سطح خود، تمرین زمامداری است که از ۳۵ تا ۵۰ سالگی به طول می انجامد. بعلاوه دیدگاه افلاطون درباره آموزش بزرگسالان را می توان، دیدگاه شرعی و امروزی دانست. زیرا آموزش را در جهت بهتر شدن در نظر می گیرد و تابعی از اوظیفه اجتماعی فرد می داند. همچنین آموزش بزرگسالان در جهت بهبود توانمندی های شخصی فرد می انجامد (میرزا محمدی، ۱۳۸۲).

پیتر جارویس^۱ از نظریه پردازان متأخر آموزش بزرگسالان است. به نظر ایشان، امروزه بحث از آموزش بزرگسالان فراتر رفته است و واژه هایی مانند «آموزش مداوم» و «آموزش مجدد» زمینه را برای طرح آموزش در تمام عمر فراهم آورده است (سجادیه، ۱۳۸۷).

پژوهشگران مختلف (کیانی فر، ۱۳۸۹؛ مرادی و ثنایی، ۱۳۸۸؛ غریبی و قلی زاده، ۱۳۸۶، جی اف دراک^۲، ۲۰۰۹؛ ولینگتون^۳، ۲۰۰۶؛ اسمیت^۴، ۲۰۰۴ و گلانس^۵، ۲۰۱۰) در مورد تأثیر آموزش بزرگسالان بر بهبود مهارت های زندگی فرزندان آنها به پژوهش پرداخته اند.

برای نمونه کیانی فر (۱۳۸۹) به این نتیجه رسید که:

- توانایی ها، احساسات و رفتار افراد تحت تأثیر اتفاقاتی است که افراد در دوران کودکی تجربه کرده اند.

- بهتر است آموزش این مهارت ها از دوران کودکی آغاز شود. چون کودک در این دوران، آمادگی زیادی برای دریافت دارد.

- والدین برای آموزش بهتر مهارت ها باید نیازهای متفاوت کودک از جمله محبت و آرامش را برای او تأمین کنند.

- خانواده جایگاه مناسبی برای بیان احساسات و نیازهای فردی است و زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و فراهمی می کند و مکانی برای رشد اخلاقی، اعتقادی و علمی افراد است.

همچنین مرادی و ثنایی (۱۳۸۸) در این زمینه تأکید می کنند که اگر والدین آگاهی کافی در مورد مهارت حل مسئله داشته باشند و بتوانند آن را در زندگی پیاده کنند، فرزندان آنها نیز این مهارت را می آموزند و راهبردهای ویژه برای حل مشکلات زندگی را یاد می گیرند، تصمیم به اتخاذ تصمیم می گیرند و خلاصه طریقه درست مواجهه با مشکلات و ارائه راه حل های مختلف و پیاده سازی آن در صحنه واقعی زندگی را یاد می گیرند. همچنین غریبی و قلی زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی در راستای این موضوع به این نتیجه رسیدند که بین تحصیلات والدین و میزان برخورداری فرزندان آنها از مهارت های زندگی تأثیر متقابلی وجود دارد. جی اف دراک (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان ضرورت آموزش بزرگسالان بیان کرد که برنامه آموزش بزرگسالان فرصتی را برای یادگیرنده های بزرگسال فراهم می کند تا آنها را متعهد به بهبود و

1 - Jarvis, P
2 - J. F. Drake
3 - Wellington

4 - Smith
5 - Galance

اصلاح مهارت های زندگی فرزندانشان سازد و به بزرگسالان کمک می کند تا خود فرزندانشان شهروندی مسئول و اشتغال زا باشند. همچنین اسمیت (۲۰۰۴) در مطالعات خود نشان داد که آموزش مهارت های زندگی به طور قابل توجهی منجر به کاهش مصرف الکل و مواد مخدر در نوجوانان می گردد. علاوه بر این گلانس^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی در همین رابطه به این نتیجه رسید که هدف اصلی آموزش بزرگسالان ایجاد دریچه ای جدید در مقابل بزرگسالان است. علاوه بر این مطالعه دامنه مهارت های اندازه گیری شده نشان می دهد که مهارت حل مسئله، استعداد ریاضی و فن آوری اطلاعات و ارتباطات را گسترده تر می کند و باعث افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و افزایش سطح کیفیت زندگی در بین بزرگسالان و اعضاء خانواده آنها می گردد.

اما با وجود تحقیقات انجام شده و بیان ضرورت آموزش مهارت های زندگی، مطالعات (رضانخانی و سیاری، ۱۳۸۷) نشان می دهد که آموزش مهارت های زندگی در صحنه عمل چندان مورد تأکید قرار نگرفته و میزان دستیابی دانش آموزان به این مهارت، فقدان یا کاهش آن را نشان می دهد. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد که در نظام آموزش ایران چندان در آموزش مهارت های زندگی توفیق نداشته است (فرزام نیا، ۱۳۸۱؛ میرزاده، ۱۳۸۱؛ کرامتی، ۱۳۸۲).

گزارشات هازن و ترفیل^۲ (۱۹۹۰) نشان می دهد که گروه وسیعی از جمعیت جهان بدلیل عدم دانش و آگاهی و پایین بودن سطح آموزش، توانایی های لازم جهت زندگی در قرن بیست و یکم را ندارند. در دنیایی که جوامع به سرعت دستخوش دگرگونی های ژرف اجتماعی و اقتصادی قرار دارند، حمایت از تفکر و اندیشه آینده نگر اهمیت می یابد و آموزش کیفی دارای عناصر مشترک زیادی است که عموم مردم (اعم از زن و مرد) را برای مشارکت همه جانبه و نیز یک شهروند جهان آماده می کند. دسترسی به هدف آموزش برای همه، توسعه ظرفیت آموزش متوسطه، فنی و حرفه ای و عالی را برای بزرگسالان ضروری می داند و ارتقای سوادآموزی را بویژه برای بزرگسالان مورد توجه قرار می دهد و بیان می دارد که نیاز به آموزش به منظور تداوم زندگی بهتر برای همه افراد در سطوح مختلف الزامی است و پاسخگویی به خواسته ها و احتیاجات افراد به شیوه سنتی ناممکن است.

پژوهشگر با توجه به تجارب ضمن خدمت در شهرستان ایزه دریافت به علت تعصبات قوم مداری نسبت به آداب و رسوم پیشینیان خود، نقش زنان در صحنه اجتماع کمرنگ بوده و

1 - Glans

2 - Hazen & Trefil

نتوانسته اند به خوبی ایفای نقش کنند. همچنین زنان به علت ازدواج های زود به هنگام و ناخواسته و مشکلات اقتصادی نتوانسته اند به مدارج بالای علمی دست یابند. از این رو، این خلاء باعث عقب ماندگی آنها از نظر سطح فکری و فرهنگی شده است و این عوامل باعث شده آنها نتوانند به نحو شایسته به فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بپردازند. مردان نیز به دلایل فوق مجبورند که تحصیل را در مقاطع پایین رها کرده و به کارهای کشاورزی و دامداری بپردازند. یعنی مجبورند همان حرفه پدران خود را ادامه دهند. بنابراین اشتغال در سنین پایین طبعاً منجر به ازدواج و تشکیل خانواده در سن پایین شده است. همچنین معمولاً اکثر این ازدواج ها قومی و فامیلی بوده و خانواده فرزندان خود را مجبور می سازد تا علیرغم میل باطنی خود به این ازدواج تن دهد. از تبعات این ازدواج ها می توان به ازدیاد آمار خودکشی در بین آنها و همچنین گرایش آنها به مواد مخدر اشاره کرد. از طرف دیگر گرایش جوانان به انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی و افزایش آمار فرار فرزندان آنها از خانه می تواند ریشه در ضعف آموزش مهارت های زندگی داشته باشد. از این رو آنها در مواجهه با آسیب های اجتماعی نمی توانند خود را از معضلاتی مانند اعتیاد برهانند، نمی توانند در مورد ازدواج و رشد تحصیلی به درستی تصمیم بگیرند. بر این اساس و براساس مستندات فوق و تأیید اهمیت و ضرورت تحقیق درباره نقش آموزش بزرگسالان در بهبود مهارت های زندگی دانش آموزان، تحقیق حاضر به منظور بررسی این رابطه انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در حیطه پژوهش های توصیفی و از نوع همبستگی است و برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و روش میدانی (محیط طبیعی کلاس درسی و مدرسه) استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر پایه های اول تا سوم متوسطه و پیش دانشگاهی شهر ایزده به تعداد ۸۷۰۰ نفر بودند که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ تحصیل می کردند. با عنایت به حجم جامعه آماری با استفاده از جدول تصادفی مورگان و کرجسی، تعداد ۳۵۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که تعداد ۳۹۳ پرسشنامه با احتمال

۱۰٪ افت آزمودنی توزیع و ۳۷۱ پرسشنامه جمع آوری شد که برای انتخاب این تعداد نمونه از جامعه آماری از روش تصادفی ساده استفاده شد.

ابزار پژوهش

ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه های محقق ساخته بودند که قبلاً توسط حسن پور (۱۳۸۸) هنجاریابی شده بود و پایایی آنها نیز تأیید شده بودند. پرسشنامه بررسی رفتارهای پرخطر به تعداد ۲۶ سوال چند گزینه ای و چهار پرسشنامه مربوط به مهارت های زندگی بودند. پرسشنامه مهارت ارتباط بین فردی و اجتماعی دارای ۲۵ سؤال، پرسشنامه مهارت حل مسئله دارای ۱۸ سؤال، پرسشنامه مهارت تصمیم گیری دارای ۱۹ سؤال و پرسشنامه مهارت خودآگاهی دارای ۲۲ سؤال چهار گزینه ای بودند. برای توزیع پرسشنامه ها محقق مستقیماً به مدارس مراجعه و پس از انتخاب تصادفی دانش آموزان پرسشنامه را در اختیار آنها قرار داد. در هر یک از این پرسشنامه های محقق ساخته از دانش آموزان خواسته شد تا میزان مهارت خود را در هر زمینه با انتخاب یکی از گزینه های اصلاً، کم، متوسط و زیاد که هر یک از گزینه ها به ترتیب با امتیازات ۱ الی ۴ اندازه گیری شده بودند، بیان کنند و در فرم پرسشنامه از دانش آموزان خواسته شده بود تا میزان آموزش بزرگسالان (والدین خود) را با انتخاب یکی از گزینه های مقدماتی، تکمیلی، پایانی، پنجم مشخص نمایند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی شامل؛ (جداول توزیع فراوانی، فراوانی درصدی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل؛ (آزمون ضریب همبستگی اسپیرن وخی دو) از طریق نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته های پژوهش

سوال اصلی اول: آیا بین آموزش بزرگسالان پدر دانش آموزان و بهبود مهارت های زندگی آنان رابطه وجود دارد؟
 برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۱ استفاده شد؛

جدول ۱. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن

		آموزش بزرگسالان	
		مهارت های زندگی	همبستگی
-۰/۰۴۵	۱		همبستگی
۰/۳۹۰			سطح معناداری
۳۷۰	۳۷۰		تعداد
۱	-۰/۰۴۵		همبستگی
	۰/۳۹۰		سطح معناداری
۳۷۰	۳۷۰		تعداد

با توجه به داده های جدول ۱ و مشاهده مقدار همبستگی ($r = -0.045$) و سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0.390$) و بزرگتر بودن آن از ۰/۰۵ نتیجه گرفته شد که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان ۰/۹۹ بیان شد که بین آموزش بزرگسالان پدران و بهبود مهارت های زندگی فرزندان رابطه وجود ندارد.

سوال اصلی دوم: آیا بین آموزش بزرگسالان مادر دانش آموزان و بهبود مهارت های زندگی آنان رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۲ استفاده شد؛

جدول ۲. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن

مهارت های زندگی	آموزش بزرگسالان		
۰/۰۰۹	۱	همبستگی	
۰/۸۶۲		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۱	۰/۰۰۹	همبستگی	
	۰/۸۶۲	سطح معناداری	مهارت های زندگی
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	

با توجه به داده های جدول ۲ و مشاهده مقدار همبستگی ($r=0/009$) و سطح معناداری آزمون ($\alpha=0/862$) و بزرگتر بودن آن از $0/05$ نتیجه گرفته شد که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان $0/99$ استدلال شد که بین آموزش بزرگسالان مادران و بهبود مهارت های زندگی فرزندان رابطه وجود ندارد.

سوال فرعی اول: آیا بین آموزش بزرگسالان (پدران) و بهبود مهارت های پیشگیری از آسیب های اجتماعی فرزندان رابطه وجود دارد؟
برای پاسخ به این سوال از آزمون مجذور کای X^2 به شرح جدول شماره ۳ و ۴ استفاده شد؛

جدول ۳. آزمون مجذور کای (پدران)

اقدام به خودکشی		غیبت از مدرسه بدون اطلاع		خروج از منزل بدون اجازه		مصرف مشروب		استعمال سیگار			
خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی
۱۵۰	۶	۱۱۱	۴۳	۱۱۹	۳۷	۱۵۴	۹	۱۳۳	۳۱	فرزانی مشاهده شده	آموزش بزرگسالان نگذرانده اند
۱۴۶/۵	۹/۵	۱۱۱/۳	۴۲/۷	۱۱۶/۴	۳۹/۶	۱۵۳/۴	۹/۶	۱۳۸	۲۶	فرزانی مورد انتظار	فرزانی مشاهده شده
۱۷۵	۱۵	۱۳۴	۵۱	۱۳۷	۵۰	۱۸۲	۱۲	۱۷۰	۲۶	فرزانی مشاهده شده	آموزش بزرگسالان گذرانده اند
۱۷۸/۵	۱۱/۵	۱۳۳/۷	۵۱/۳	۱۳۹/۶	۴۷/۴	۱۸۲/۶	۱۱/۴	۱۶۵	۳۱	فرزانی مورد انتظار	فرزانی مشاهده شده
۳۲۵	۲۱	۲۴۵	۹۴	۲۵۶	۸۷	۳۳۶	۲۱	۳۰۳	۵۷	مجموع	
۱		۱		۱		۱		۱		درجه آزادی	
۰/۱۱۷		۰/۹۴۲		۰/۵۲۲		۰/۷۹۱		۰/۱۴۵		سطح معناداری	
۲/۴۶۳		۰/۰۰۵		۰/۴۱۰		۰/۰۷۱		۲/۱۲۹		X^2	

جدول ۴. آزمون مجذور کای (مادران)

اقدام به خودکشی		غیبت از مدرسه بدون اطلاع		خروج از منزل بدون اجازه		مصرف مشروب		استعمال سیگار		
خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	
۲۱۸	۱۴	۱۷۳	۵۵	۱۶۹	۶۱	۲۲۷	۱۴	۲۰۱	۴۱	فراوانی مشاهده شده
۲۱۸/۴	۱۳/۶	۱۶۳/۸	۶۴/۲	۱۷۰/۸	۵۹/۲	۲۲۶/۶	۱۴/۴	۲۰۲/۱	۳۸/۹	آموزش بزرگسالان نگذرانده اند
										مورد انتظار
۱۰۳	۶	۶۷	۳۹	۸۲	۲۶	۱۰۴	۷	۹۷	۱۶	فراوانی مشاهده شده
۱۰۲/۶	۶/۴	۷۶/۲	۲۹/۸	۸۰/۲	۲۷/۸	۱۰۴/۴	۶/۶	۹۴/۹	۱۸/۱	آموزش بزرگسالان نگذرانده اند
										مورد انتظار
۳۲۱	۲۰	۲۴۰	۹۴	۲۵۱	۸۷	۳۳۱	۲۱	۲۹۸	۵۷	مجموع
	۱		۱		۱		۱		۱	درجه آزادی
	۰/۸۴۶		۰/۰۱۷		۰/۶۳۱		۰/۸۵۵		۰/۵۰۶	سطح معناداری
	۰/۰۳۸		۵/۷۴۴		۰/۲۳۰		۰/۰۳۳		۰/۴۴۳	X ²

با توجه به داده های جدول ۳ و ۴ مشاهده سطح معناداری آزمون ها و بزرگتر بودن آنها از ۰/۰۵ نتیجه گرفته شد که رابطه معناداری میان فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار بین متغیرها وجود ندارد. به عبارت دیگر با اطمینان ۰/۹۹ تغییر شد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های پیشگیری از آسیب های اجتماعی فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد.

سوال فرعی دوم: آیا بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های ارتباط بین فردی - اجتماعی فرزندان رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۵ و ۶ استفاده شد.

جدول ۵. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (پدران)

آموزش بزرگسالان		مهارت های ارتباط بین فردی - اجتماعی	
همبستگی	۱	۰/۰۳۸	
سطح معناداری		۰/۴۶۱	
تعداد	۳۷۰	۳۷۰	
همبستگی	۰/۰۳۸	۱	
سطح معناداری	۰/۴۶۱		
تعداد	۳۷۰	۳۷۰	

جدول ۶. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (مادران)

آموزش بزرگسالان		مهارت های ارتباط بین فردی - اجتماعی	
همبستگی	۱	-۰/۰۱۹	
سطح معناداری		۰/۷۱۳	
تعداد	۳۶۵	۳۶۵	
همبستگی	-۰/۰۱۹	۱	
سطح معناداری	۰/۰۷۱۳		
تعداد	۳۶۵	۳۶۵	

با توجه به داده های جدول ۵ و ۶ و مشاهده مقدار همبستگی ($r = -0/019$) و ($r = -0/019$) سطح معناداری آزمونها ($\alpha = 0/713$) و ($\alpha = 0/461$) بزرگتر بودن آنها از $0/05$ مشخص شد که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان از $0/99$ تفسیر شد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های ارتباط بین فردی- اجتماعی فرزندان رابطه وجود ندارد.

سوال فرعی سوم: آیا بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت حل مسئله فرزندان رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۷ و ۸ استفاده شد؛

جدول ۷. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (پدران)

مهارت حل مسئله	آموزش بزرگسالان		
-0/048	۱	همبستگی	
0/361		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
370	370	تعداد	
۱	-0/048	همبستگی	
	0/361	سطح معناداری	مهارت حل مسئله
370	370	تعداد	

جدول ۸. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (مادران)

مهارت حل مسئله	آموزش بزرگسالان		
۰/۰۱۷	۱	همبستگی	آموزش بزرگسالان
۰/۷۴۱		سطح معناداری	
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	
۱	۰/۰۱۷	همبستگی	مهارت حل مسئله
	۰/۷۴۱	سطح معناداری	
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	

با توجه به داده های جدول ۷ و ۸ و مشاهده مقدار همبستگی ($r = 0/017$) و ($r = 0/048$) سطح معناداری آزمون ها ($\alpha = 0/741$) و ($\alpha = 0/36$) و بزرگتر بودن آن از $0/05$ استدلال شد که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان $0/99$ تعبیر شد بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت حل مسئله فرزندان رابطه وجود ندارد.

سوال فرعی چهارم: آیا بین آموزش بزرگسالان (والدین) و ارتقاء مهارت خودآگاهی فرزندان رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۸ و ۹ استفاده شد؛

جدول ۹. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (پدران)

مهارت خودآگاهی	آموزش بزرگسالان		
-۰/۰۹۸	۱	همبستگی	
۰/۰۶۰		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۱	-۰/۰۹۸	همبستگی	
	۰/۰۶۰	سطح معناداری	مهارت خودآگاهی
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	

جدول ۱۰. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (مادران)

مهارت خودآگاهی	آموزش بزرگسالان		
۰/۰۲۶	۱	همبستگی	
۰/۶۱۷		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	
۱	۰/۰۲۶	همبستگی	
	۰/۶۱۷	سطح معناداری	مهارت خودآگاهی
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	

با توجه به داده های جدول ۹ و ۱۰ و مشاهده مقدار همبستگی ($r = ۰/۰۲۶$) و ($r = ۰/۰۹۸$) و سطح معناداری آزمون ها ($\alpha = ۰/۶۱۷$) و ($d = ۰/۶۰$) و بزرگتر بودن آن از $۰/۰۵$ استدلال شد مطرح نمود که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان $۰/۹۹$

می توان بیان کرد بین آموزش بزرگسالان مادران و ارتقاء مهارت خودآگاهی فرزندان رابطه وجود ندارد.

سوال فرعی پنجم: آیا بین میزان آموزش بزرگسالان (والدین) و ارتقاء مهارت تصمیم گیری فرزندان رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به شرح جدول شماره ۱۱ و ۱۲ استفاده شد؛

جدول ۱۱. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (پدران)

مهارت تصمیم گیری	آموزش بزرگسالان		
-۰/۰۳۹	۱	همبستگی	
۰/۴۵۸		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۱	-۰/۰۳۹	همبستگی	
	۰/۴۵۸	سطح معناداری	مهارت تصمیم گیری
۳۷۰	۳۷۰	تعداد	

جدول ۱۲. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (مادران)

مهارت تصمیم گیری	آموزش بزرگسالان		
-۰/۰۰۱	۱	همبستگی	
۰/۹۸۲		سطح معناداری	آموزش بزرگسالان
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	
۱	-۰/۰۰۱	همبستگی	
	۰/۹۸۲	سطح معناداری	مهارت تصمیم گیری
۳۶۵	۳۶۵	تعداد	

با توجه به داده های جدول ۱۱ و ۱۲ و مشاهده مقدار همبستگی ($r = -0/001$) و ($r = -0/39$) سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0/982$) و ($\alpha = 0/458$) و بزرگتر بودن آن از $0/05$ می توان استدلال نمود که رابطه معناداری میان متغیرها وجود ندارد، به عبارت دیگر با اطمینان $0/99$ می توان بیان کرد بین آموزش بزرگسالان مادران و ارتقاء مهارت تصمیم گیری فرزندان رابطه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

در پاسخ به سؤال اول یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (پدر) و بهبود مهارت های زندگی فرزندان آنها رابطه وجود ندارد که این یافته با یافته پژوهش غریبی و قلی زاده (۱۳۸۶)، کیانی فر (۱۳۸۹)، جی اف دراک (۲۰۰۹) و نجات (۱۳۸۵) مطابقت ندارد. در پاسخ به سؤال دوم یافته تحقیق حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (مادر) و بهبود مهارت های زندگی فرزندان آنها رابطه وجود ندارد که این یافته با پژوهش آقاجانی (۱۳۸۱) مبنی بر اینکه بین سطح تحصیلات مادر، اشتغال مادر و سلامت روان و مهارت های زندگی دانش آموزان ارتباط معنادار وجود ندارد، مطابقت دارد. در پاسخ به سؤال سوم یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت پیشگیری از آسیب های اجتماعی فرزندان رابطه وجود ندارد که این یافته با پژوهش اسمیت (۲۰۰۴) مطابقت ندارد. در پاسخ به سؤال چهارم یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت های ارتباط بین فردی و اجتماعی فرزندان رابطه وجود ندارد که این یافته با پژوهش نجات (۱۳۸۵) مطابقت ندارد. در پاسخ به سؤال پنجم یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و بهبود مهارت حل مسئله فرزندان رابطه وجود ندارد که این یافته ها پژوهش مرادی و ثنایی (۱۳۸۸) مطابقت ندارد. در پاسخ به سؤال ششم یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) ارتقاء مهارت خودآگاهی فرزندان آنها رابطه وجود ندارد که یافته ای در خصوص رد یا تأیید این یافته، یافت نشد. در پاسخ به سؤال هفتم یافته پژوهش حاضر نشان داد که بین آموزش بزرگسالان (والدین) و ارتقاء مهارت تصمیم گیری فرزندان رابطه وجود ندارد که با یافته پژوهش ماریامانس (۲۰۱۰) مطابقت ندارد. بنابر این با توجه به یافته های پژوهش حاضر و مقایسه آن با یافته های تحقیقات دیگران به مسئولان آموزش و پرورش و والدین دانش آموزان پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می شود:

چون بین آموزش بزرگسالان و مهارت های زندگی فرزندان شامل مهارت مدیریت حل مسئله و مهارت خودآگاهی و مهارت تصمیم گیری و مهارت ارتباط اجتماعی - فردی فرزندان و مهارت پیشگیری از آسیب های اجتماعی رابطه وجود نداشت. به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می شود که کلاس ها، سمینارها و کارگاه هایی در خصوص هر یک از مهارت های زندگی برگزار نمایند، تا والدین دانش آموزان با این مهارت ها آشنا شوند و بتوانند این مهارت ها را به فرزندانشان آموزش و انتقال دهند.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۵)، آموزش بزرگسالان، تهران؛ دانشگاه پیام نور
- آقاجانی، حمید. (۱۳۸۱)، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل دانش آموزان مقطع دبیرستانی شهر قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- حسن پور، الهه. (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر رفتار دانش آموزان راهنمایی منطقه اسلامشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن
- دهستانی، منصور. (۱۳۸۷)، مهارت های زندگی، جلد دوم، انتشارات جیحون
- رمضانخانی، ع. و سیاری، ع.ل. (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت آموزش مهارت های زندگی در تخصصی نظام آموزش و پرورش. گزارش یونیسف در ایران و دفتر مطالعات بین المللی وزارت آموزش و پرورش
- سپاه منصور، مژگان. (۱۳۸۶)، تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر انگیزه پیشرفت، خود احترامی و سازگاری اجتماعی، مجلیه اندیشه و رفتار، دوره دوم، شماره ۶
- سجادیه، نرگس. (۱۳۸۷)، بازاندیشی در مفهوم آموزش غیررسمی، مقاله ارائه شده در الین همایش آموزش و یادگیری غیررسمی، مشهد دانشگاه فردوسی.
- عطاپور، ماهان. (۱۳۸۹)، مهارت برقراری ارتباط، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

- غریبی، حسن و قلی زاده، زلیخا. (۱۳۸۶)، سطح مهارت های زندگی دانش آموزان راهنمایی و متوسطه استان کردستان، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد واحد رودهن، سال سوم، شماره اول.
 - فرزام نیا، م. (۱۳۸۱)، بررسی و شناسایی نقش عوامل درون سازمانی در کسب مهارت های زندگی. گزارش تحقیق، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان گلستان
 - کرامتی، م. (۱۳۸۲)، یادگیری مشارکتی، مشهد، انتشارات آیین تربیت.
 - کیانی فر، مریم. (۱۳۸۹)، دانستنی های زندگی، تهران: انتشارات ابتکار دانش
 - مرادی، امید، ثنایی، باقر. (۱۳۸۸)، بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر تعارضات والد - فرزند در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم
 - ملکی، حسن. (۱۳۸۹)، ۳۰ مهارت زندگی ویژه جوانان و نوجوانان، تهران، انتشارات آبیژ
 - میرزا محمدی، محمدحسن. (۱۳۸۲)، بررسی مقایسه ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی، نشریه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سی و سوم، شماره ۲، ص ۲۲۵ - ۲۰۱.
 - میرزاده، م.ح. (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر پایین بودن سطح مهارت های زندگی دانش آموزان ابتدایی از نظر معلمان و اولیای دانش آموزان ابتدایی تبریز، گزارش تحقیق شورای عالی تحقیقات آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
 - میرزامحمدی، محمدحسن، ظفری پور، طاهره. (۱۳۸۸)، نگاهی نو به آموزش بزرگسالان
- نشر یسطرون**
- نجات، حمید. (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر میزان صمیمیت زوجین، دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی
 - سازمان جهانی بهداشت، ترجمه نوری قاسم آبادی و پروانه محمدخانی. (۱۳۷۹)، برنامه آموزش مهارت های زندگی

- Bornstein, M. H. (2003); Well-being positive development across the life course. Mahawah: Lawrence Erlbaum.
- Boyd (2004); Adult life skills: A primer for those in recovery. Ph.D. Dissertution. USA. Department of education
- Glance (2010); Learning a living _ First Results of the Adult Literacy and Life Skills surrevey. Higher education and Adult Learning. Across OECD countries, governments are seeking policies to make education more.
- Hahlweg, K, Baucom, D. H. and markman, H. (1988); Recent advances in therapy and Prevention. In I.R.H. fallon (Ed), Handbook of behavioral family therapy. New York: Guilford press.
- Hazen, R and Trefil (1990); The modern practice of Adult Education/ Harward University.
- J.F.Drake. (2009); Free Adult Education Classes. Technical college adult. Director of adult education 3421. Meridian street North. Huntsville, Al: 35811.
- Marya manes (2010); Rational Decision Making: Critical Thinking Skills success study guide. (Who/mnh) pdf/96.2.rev.1.
- Smith (2004); Evaluation of life skills training and infused- life skills training in a rural. Setting: outcomes at two years. Journal of Alchohole & Prug Education.
- Smith. Jan (2010); Basic life skills at work improving lives and communities through adult literacy. A publishing division of Pro literacy. Vol. 32 No. 11, 37_48.
- UNESCO (2008); Education for all: An achievable vision [www.UNESCO.org/ Education /EFA](http://www.UNESCO.org/Education/EFA).
- Wellington, (2006); All (Adult literacy and Life skills survey) Ministry of education, New Zealand.